

اشارات و تنبیهاات (۵)

۱. محققان و محقق نمایان!

۲. «شرافت ادبی» و «سرقت بی ادبانه»

۳. اقتراح برای انتقاد

۲۲۷-۲۳۶

چکیده: سلسله مقالاتی که زیر عنوان «اشارات و تنبیهاات» منتشر می‌شود مجال است برای طرح و تحریر جستارهای گونه‌گون انتقادی و کتاب‌گزارانه و ثرات پژوهانه که هر یک از آن جستارها نوشتاری است کوتاه و مستقل در باب موضوعی مشخص و ممتاز. بخش پنجم از این مقالات مشتمل است بر سه نوشته در باب اهمیت و ضرورت و کارکردهای مختلف «نقد علمی». در مقاله «محققان و محقق نمایان» به تفاوت روش و حاصل کار دو دسته متمایز از پژوهشگران اشاره شده است و بر ضرورت تمایز نهادن میان محققان واقعی و کسانی که تنها نام «محقق» را بر خویش دارند تأکید گردیده است. نوشتار «شرافت ادبی و سرقت بی ادبانه» در خصوص مسأله لزوم حفظ حقوق معنوی محققان و مبارزه با انتحال یکاتی را بازمی‌نماید. در نوشته «اقتراح برای انتقاد» نیز نمونه‌ای از انتقادپذیری و توجه جدی به نقد علمی معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: نقد علمی، انتقاد، انتحال، حقوق محققان.

Ishārāt wa tanbīhāt (Part 5)

Hamid Ataei Nazari

(Assistant Professor of the Islamic Sciences and Culture Academy) h.ataee@isca.ac.ir

Abstract: The series of essays published with the title “Ishārāt wa tanbīhāt (pointers and reminders)” is an opportunity to present various writings such as critical reviews, book reviews, and short communications and notes on the Islamic heritage, each of which is a short and independent essay on a specific and distinguished topic. The fifth essay of this series consists of three articles about the importance and necessity and different functions of “scientific criticism”. In the article “Real Researchers and Pretend Researchers” it is pointed out the difference in the method and results of two distinct groups of researchers and the necessity of distinguishing between real researchers and those who only have the name of “researcher”. The article “Honorable Writing and Rude Plagiarism” shows some points about the need to protect the intellectual rights of researchers and fight against plagiarism. In the article “Demand for Criticism” an example of critical acceptance and serious attention to scientific criticism has been introduced.

Keywords: scientific criticism, criticism, plagiarism, researchers’ rights.

الخلاصة: توفر سلسلة المقالات التي يجري نشرها تحت عنوان (إشارات وتنبيهات) فرصة لطرح وتحرير البحوث المختلفة المتنوعة بين النقد أو استعراض الكتب أو البحوث التراثية، وكل واحد من هذه الكتابات هو عبارة عن مقال قصير مستقل في موضوع معين وممتاز من المواضيع المشار إليها.

وهذه هي الحلقة الخامسة من هذه المقالات وتشتمل على ثلاثة عناوين حول أهمية ضرورة النقد العلمي وتوظيفاته المختلفة. ففي مقالة (المحققون وأشباه المحققين) تمت الإشارة إلى الاختلاف في الأسلوب وثمار العمل لفئتين مختلفتين من المحققين، مع التأكيد على ضرورة التمييز بين المحققين الواقعيين وبين أولئك الذين لا يربطهم بالتحقيق شيء سوى حملهم لاسم (المحقق).

أما مقالة (الكرامة الأدبية والسرقات غير المؤدبة) فاختصت بلزوم صيانة حقوق المحققين المعنوية مع التنبيه على بعض النقاط الخاصة بمكافحة الانتحال.

وفي مقالة (مقترح للانتقاد) وردت بعض التوضيحات حول أحد نماذج تحمل النقد والاهتمام الجاد بالنقد العلمي.

المفردات الأساسية: النقد العلمي، الانتقاد، الانتحال، حقوق المحققين.

۱. محققان و محقق نمایان!

حرفه تحقیق و پژوهش نیز همچون هر پیشه و شغل دیگری شاغلان و کارکنانی دارد که کم و کیف کار آنان همسان نیست و حاصل تلاش آنها ارج و بهای بسیار متفاوتی دارد. شمار زیادی از پژوهشگران به رعایت اصول و قواعد و معیارهای مرسوم پژوهشی ملتزم نیستند و در نتیجه، آثاری عیبناک عرضه می‌کنند که بی‌مایه یا کم‌فایده است. اما محققانی نیز هستند که سخت می‌کوشند تا حد امکان شرایط کار تحقیق را احراز نمایند و با رعایت قواعد پژوهشی و معیارهای علمی، مکتوباتی سودمند و مایه‌ور ارائه کنند. شیوه کار و طرز تحقیق این دو دسته از پژوهندگان نیز در مقایسه با هم تفاوت فراوانی دارد: یکی، آسان‌گیر و راحت‌طلب است و اهل دقت و ورزی و تتبع در منابع گوناگون نیست، و برای تمهید درستی نوشته و تسدید نگاشته خویش وقت کافی صرف نمی‌کند؛ اما آن دیگری، خود را ملزم به ژرف‌کاوی و فحص و بحث بسیار در موضوع تحقیق خود می‌دارد و با باریک بینی و نکته‌سنجی مآخذ مختلف را می‌کاود تا سرانجام نگاشته‌ای ممتنع و ممتاز فراهم آورد. به‌دیگر سخن، اولی با ذهنی آشفته و خام مکتوباتی پریشان و ناستوار می‌سازد که تنها نام «تحقیق» را بر خود دارد نه نشان آن را، و حال آنکه آن دیگری، فکری پخته و پرورده دارد و آثاری دقیق و عمیق و به‌راستی محققانه می‌آفریند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت: اولی محقق‌نماست، ولی دیگری، به معنی حقیقی کلمه، محقق و جوینده.

تردیدی نیست که زحمت و مشقتهی که یک پژوهشگر واقعی در راه پژوهش و نگارش در باب موضوعی خاص بر خود روا می‌دارد اصلاً قابل قیاس با رنج و سختی کار و میزان تلاش هیچ‌یک از محقق نمایان نیست. محقق نکته‌یاب نازک‌بین گاه برای نگارش دقیق یک سطر یا یافتن مأخذ و شاهد و ارجاعی برای فلان مطلب و برافزودن بر اتقان تحقیق خویش ساعتها سعی می‌نماید و وقت صرف می‌کند تا تألیفی دقیق و دلپذیر ارائه نماید. برخلاف این، محقق‌نمای سهل‌انگار که هدفش تدقیق در تحقیق نیست و بل همتش بر تکثیر آثار و تحصیل منافع و مزایای نشر آنهاست، وقت گرانمایه‌اش را مصروف تتبع و اندیشه‌ورزی و نکته‌اندیشی نمی‌کند و خویشتن را ابداً به محنت و زحمت نمی‌افکند تا کاری دقیق و استوار پدید آورد. اینگونه است که تا پژوهنده کاردان بتواند به اتمام جستار و مقالتهی کوتاه کامیاب شود، محقق‌نمای شتابکار به انتشار چند کتاب و مقاله کلان موقت می‌گردد و از منافع مادی و عوائد معنوی نشر آنها، از جمله شهرت علمی زودیاب، به‌حدّ کمال، بهره‌ور و برخوردار می‌شود!

همین تفاوت، در باب کار تصحیح یا ترجمه متون نیز صادق است. بسیاری از مصححان و مترجمان بدون توجه به قواعد و معیارهای معروف تصحیح و ترجمه دست به کار تصحیح یا ترجمه می‌زنند و به چشم برهم زدنی متنی را، به پندار خام خویش، تصحیح یا ترجمه می‌کنند و به دست نشر می‌سپارند، درحالی‌که حاصل کارشان به سبب بی‌دقتی و شتابکاری، چیزی نیست جز اثری معیوب و مغلوط و

مشحون از آشفتگی‌های گوناگون. در مقابل، شمار اندکی از مصححان و مترجمان متعهد نیز هستند که همه‌گونه دقت ممکن را در تعیین ضبط صحیح یکایک کلمات یک متن یا برگردان درست و دقیق تمامی عبارات یک اثر ملحوظ می‌دارند و با بذل جهد و نهایت سعی، ویراست یا برگردانی شایسته و ارزنده از آن را تقدیم خوانندگان می‌کنند.

مسلك سهل انگاری و آسانگیری در کار پژوهش و نگارش البته طریقی است سهل که طرفدار و پیرو نیز زیاد دارد. در حقیقت، اگر بنا به امعان نظر و اعمال دقت کافی در تحقیق و تألیف نباشد، بسیاری از نویسندگان به راحتی می‌توانند شمار مقالات و کتاب‌های خود را افزایش دهند و به ماشین تولید مقالات تبدیل شوند؛ اما بی‌گمان محصول چنین تولیداتی نگاهشته‌هایی است غیر دقیق و نامعتبر که بیش از آن‌که برای جامعه سودمند باشد برای توهم کارنامک علمی محقق‌نمایان بی‌مبالات مفید است!

در چنین وضعی، جامعه علمی و به‌ویژه سخن‌سنجان دیده‌ور باید تفاوت‌های شگرف میان ارزش کار و آثار محققان حقیقی را با شبه‌تحقیقات محقق‌نمایان باز نمایند و بر این نکته تأکید نمایند که تنها نوشته‌های پژوهندگان دقیق‌النظر سزاوار بزرگداشت است و در مقابل، مکتوبات محقق‌نمایان، درخور استخفاف است و فروداشت. از همین نکته به یکی از وجوه ضرورت و اهمیت «نقد علمی» نیز می‌توان پی برد. ناقد ناصح با سنجش منصفانه آثار نویسندگان ارج و عیار کار آنها را آشکار می‌نماید و محققان را از محقق‌نمایان بازمی‌شناسد و متمایز می‌سازد. بدین‌سان، ناقد از رهگذر بازشناختن و تمییز نهادن میان تحقیقات واقعی و اصیل، و تألیفات پژوهش‌گونه ناستوار و جعلی خدمتی عظیم به خوانندگان می‌کند و آنها را به نیک و بد آثار و نیز آثار نیک و بد رهنمون می‌شود.

این واقعیت البته مایه تأسف فراوان است که در جامعه ما نقد علمی رواج چندانی ندارد و اکثر مقالات و کتابها به دقت مورد مطالعه و ارزیابی قرار نمی‌گیرد و ارج و ارزش تحقیقات بسیاری از نویسندگان به درستی سنجیده و فرانموده نمی‌شود. به همین جهت، اینک آنگونه که باید و شاید، فرق بین محقق مدقق، و نویسنده محقق‌نمای سهل‌انگار روشن نیست و چه بسا پژوهشگرنمایانی که خود را در جامعه پژوهشگران راستین وانموده‌اند! نیک معلوم است که بازشناسی محقق‌نمایان از محققان حقیقی همواره امری سهل و ساده نیست. گاه باشد که محقق‌نمایی با تزویر، به تزئین تحقیقات خویش دست یازد و به روش‌های مختلف مثل درج ارجاعات بسیار یا ارجاع‌های نمایشی و غیر ضرور به آثار فرنگی، نوشته خود را اثری محققانه در پیش نظر خوانندگان جلوه دهد. اما آنگاه که نوشته‌های او با دقت و تیزبینی در معرض سنجش قرار گیرد و به محک انتقاد زده شود ناستواری و بی‌مایگی و متقلبانانه بودن آنها بر خرده‌بینان و نکته‌دانان آشکار می‌گردد.

بدیهی است که اگر در جامعه‌ای، دانشوران و خوانندگان میان نگاهشته‌های تحقیقی راستین، و

نوشته‌های سطحی مغلوط، از حیث ارزش و ارجمندی، تمایز قائل نشوند و تمام این نوشتارها را در یک رتبه بپندارند و به یک نحو گرامی دارند، دیگر انگیزه چندانی برای پژوهندگان درستکار و نکته‌پرداز باقی نخواهد ماند که کار خویش را با دقت و استواری به انجام رسانند و آثاری ژرف و ارزنده منتشر نمایند. نادیده انگاشتن خطاها و تخلفات محقق نمایان و به قلم نیاوردن عیوب کار آنان، از یک سو، موجب تجزیه پژوهشگران بی‌مبالات و تشویق آنها به ادامه مسیر تسامح و تساهل در انجام تحقیقات می‌شود و از سوی دیگر، زمینه ترویج انتشار آثار ضعیف را مهیا می‌کند. در نتیجه، این وضعیت به کاهش روزافزون کیفیت مکتوبات پژوهشی و ابتدال مطبوعات علمی در جامعه خواهد انجامید.

در واقع، رواج نشر آثار به ظاهر علمی بی‌کیفیت و کم‌مایه، آهسته‌آهسته سطح سلیقه و پسند علمی خوانندگان را فرومی‌کاهد و رفته‌رفته طبع اهالی دانش جامعه را به پذیرش و مطالعه نگاهشته‌های ضعیف عادت می‌دهد. پس بر عهده ناقدان نکته‌بین و محققان تیزبین است که قلم برگرفته و آثار محقق نمایان را به دقت بررسی نمایند و خطاها و تخلفات پژوهشی آنان را تحت پیگرد علمی قرار دهند. اندیشه‌وران بصیر جامعه هرگز ابتدال علمی را نمی‌پسندند و در برابر نشر آثار علمی ضعیف و معیوب ساکت و ساکن نمی‌نشینند و به هیچ روی خاطر خویش را به تحقیقات سطحی و تألیفات سرسری راضی و خرسند نمی‌کنند. آنان هر مسوده و نوشته‌ای تحت عنوان «کتاب علمی» یا «مقاله پژوهشی» را شایسته نام ارجمند «تحقیق» و «پژوهش» نمی‌شمرند و با نقدهای خویش سلیقه و پسند علمی جامعه خود را ارتقاء می‌بخشند.

بنابراین، در حرفه تحقیق و پژوهش نیز همچون هر شغل و کار دیگری باید عاملان درستکار و زحمتکش ارج نهاده شوند و مورد تقدیر و تحسین قرار گیرند و در مقابل، شاغلان متخلف و سهل‌انگار از طریق نقدهای صریح معرفی و تعزیر و تنبیه گردند. محتاج به گفتن نیست که هرگونه جانبداری و دفاع بی‌وجه از محقق نمایان متقلب یا فروگذاردن پرده ستر بر خطاها و تخلفات پژوهشی آنان مایه حصول آرامش خاطر برای پژوهشگران متخلف خواهد شد و این نوید را به آنها می‌دهد که سهل‌انگاری و ولنگاری آنان در کار تحقیق و پژوهش با مجازات خاصی مواجه نمی‌شود و پیامدهای ناگواری برای آنها به دنبال نخواهد داشت. نیز رفتار اغماض آمیز با پژوهندگانی که وظیفه پژوهشی خویش را به درستی ادا نمی‌کنند و نوشته‌هایی سطحی و مغلوط به دست می‌دهند، به‌گونه‌ای ستم‌کاری است در حق محققان وظیفه‌شناسی که با صرف توان و عمر گران خویش می‌کوشند نگاهشته‌هایی معتبر و مطابق با قواعد و معیارهای پژوهشی عرضه نمایند. بر این اساس، نگارش نقدهای دانش‌ورانه صریح بر آثار پژوهشی سخیف باید چندان رونق و رواج یابد که نویسندگان سطحی‌نگر جرأت و مجالی برای نشر نگاهشته‌های نااستوار و پریشان خویش پیدا نکنند. تنها در این صورت است که تولید و عرضه مکتوبات پژوهشی ضعیف و مبتذل کاهش می‌یابد و موجبات ترقی و تعالی علمی جامعه فراهم می‌آید و تحقیقات ایرانی مکانتی درخور در پیش نظر محققان جهان پیدا می‌کند.

۲. «شرافت ادبی» و «سرقت بی ادبانه»

حاصل حقیقی عمر و ثمره زحمات هر پژوهشگری نویافته‌های علمی اوست که با کوشش و مَرارت و صرف وقت بسیار بدانها دست یافته است. از این جهت، دستاوردهای تحقیقی هر پژوهنده‌ای دارای و سرمایه‌ای است معنوی که حقّ ثبت و تملک آن تنها باید برای شخص محقق مصون و محفوظ بماند. واضح است که آن حقوق مادی ناچیزی که اغلب بابت چاپ آثار علمی به نویسندگان پرداخت می‌شود، به هیچ روی پاداشی کافی در برابر رنج‌ها و جدّ و جهدهای محققان متعهد نیست و انگیزه اصلی آنان برای تحقیق و پژوهش نیز کسب این حقوق مادی اندک نیست. در حقیقت، آنچه غالباً سبب می‌شود که یک پژوهشگر زحمت و مشقّت پژوهش و نگارش را بر خود هموار دارد و به فحوص و بحث در موضوعی خاص بپردازد احراز همین حقوق معنوی و تثبیت نقش و جایگاه خود در پیشرفت یک دانش است. بنابراین همانطور که حقوق مادی یک پژوهنده باید محفوظ باشد، حقوق معنوی وی نیز باید حفظ شود و هرگونه تضييع و نادیده‌انگاشتن آن حقوق به منزله ناسپاسی و ظلم به اوست.

تضييع حقوق معنوی پژوهندگان ممکن است به شیوه‌های مختلفی صورت گیرد که شناخت بسیاری از آنها مستلزم تعریف و شناسایی انواع روش‌های انتحال یا سرقت ادبی است. اینک مقصود نگارنده این سطور از طرح این بحث معرفی انواع چندگانه و چندگونه روش‌های انتحال نیست؛ بلکه غرض، توجه دادن به اصل ضرورت حفظ حقوق معنوی محققان است و تأکید بر لزوم تعزیر و تنبیه کسانی که حقوق مسلم پژوهشگران را محترم نمی‌شمارند و خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا جاهلانه، به حقوق و سرمایه حیات پژوهشی آنان تجاوز می‌نمایند. اگرچه پیش از این، نوشتارهایی در این خصوص منتشر شده است و گاه‌گاه نیز بر لزوم رعایت حقوق مصنفین و مؤلفین تأکید می‌شود، تکرار و تذکار نکاتی در این باب بی‌فایده نمی‌نماید، خاصه در جامعه کنونی ما که حقوق شماری از پژوهشگران سخت‌کوش از سوی برخی از محقق‌نمایان راحت‌طلب پخته‌خوار تضييع می‌گردد و اغلب اوقات نیز راهی برای استیفای آن حقوق از دست‌رفته و پای‌مال شده وجود ندارد. چه بسیارند پژوهشگران نگون بخت کوشایی که با زحمت و مشقّت طاقت‌فرسا به کشف و فهم نکات علمی تازه موفق گردیده‌اند؛ اما ناگهان نویسنده نوریسیده‌ای به یکباره تمام زحمات آنان را با به‌کار آوردن لطایف الحیل به یغما برده و در قالب نگاشته‌های خویش عرضه داشته و به نام خود ثبت نموده است.

اصل سخن بر سر آن است که نویسندگان باید حرمت دستاوردها و دسترنج محققان دیگر را پاس بدارند و چنانچه از یافته‌ها و ثمرات تحقیقات آنان به نحوی بهره‌مند می‌شوند «به صراحت» و «با وضوح تمام» به این بهره‌وری و استفاده اشاره و اذعان نمایند. این حقّ برای هر محقق‌کی که با صرف وقت و توان بسیار به یافتن مطلبی تازه کامیاب شده حتماً ثابت و محفوظ است که هر نویسنده دیگری که از نتایج

مطالعات او بهره می‌گیرد، آشکارا و بی‌تدلیس و تلبیس به نام وی به عنوان صاحب و مالک اصلی آن یافته‌ها و نتایج تصریح کند و نقش او را در پیشرفت یک دانش به درستی باز نماید.

اما برخی از نویسندگان در مسأله ارجاع‌دهی و یادکرد از مآخذ نوشته خود سهل‌انگاری نموده و آنگونه که بایسته است به چند و چون دقیق بهره‌مندی خویش از نگاشته‌های محققان دیگر اعتراف نمی‌کنند. شماری از این دست نویسندگان، اندیشه‌های بدیع و یافته‌های جدید محققان دیگر را اقتباس نموده و آنها را دستمایه تحقیقات و تألیفات خویش قرار می‌دهند بدون آنکه با اشارات و ارجاعات دقیق و صریح، صاحبان اصلی آن ایده‌ها و یافته‌ها را معرفی کنند و حق آنان را ادا نمایند. این انتحال‌گران، به‌پنداره نادرست خویش می‌کوشند با درج ارجاعاتی کلی و مبهم و غیر آشکار به منابع تحقیق خود، خویش را از در معرض اتهام انتحال قرار گرفتن برهانند؛ اما غافلند که چنین شگردها و ترفندهایی راه به جایی نمی‌برد و مانع انتساب انتحال به آنها نمی‌شود. تصور بفرمایید که نویسنده‌ای به میزان چندین صفحه، از مطالب و یافته‌های پژوهشگر دیگری بهره‌گیرد؛ اما صرفاً با ارائه یکی دو ارجاع کلی و نه چندان آشکار میزان بهره‌مندی خویش از دستاوردهای آن پژوهشگر را ناچیز و اندک فرامی‌داند و به خوانندگان چنین وانمود کند که بیشتر آن مطالب، از ثمرات مطالعه و تحقیق خود اوست!

بی‌تردید گزینش چنین روش نادرستی در ارجاع‌دهی و نگارش کتاب‌ها و مقالات با صداقت و شرافت علمی ناسازگار است و مصداق بارز حقه‌بازی در عرصه تحقیق و پژوهش به‌شمار می‌آید و مایه تضییع حقوق معنوی محققان می‌گردد. بنابراین، نحوه ارجاع‌دهی نویسنده به منابع تحقیق خویش باید به‌گونه‌ای باشد که مخاطبان به‌طور واضح و روشن از میزان بهره‌مندی او از سایر منابع آگاه شوند؛ یعنی از ارجاعاتی که پیش روی آنهاست نیک دریابند که مطالب و مضامین مطرح در هر قسمت از متنی که می‌خوانند متعلق به چه کسی است و آیا حاصل بازجستن‌های خود نویسنده است یا این‌که برگرفته است از آثار محققان دیگر. در واقع، شیوه ارجاع‌دهی به منابع امری سلیقه‌ای و پیرو پسند شخصی نویسنده نیست و بل تابع قواعد منضبط و معروف خاصی است که عدم رعایت آنها منجر می‌شود به ارتکاب تخلفات پژوهشی مختلفی نظیر «انتحال» و تضییع حقوق و سرمایه علمی محققان.

باری، مسأله اهمیت و ضرورت رعایت حقوق معنوی محققان، مورد توجه و تأکید برخی دیگر از نویسندگان از جمله استاد دکتر پرویز ناتل خانلری نیز قرار داشته است. وی در مقالته خواندنی زیر عنوان «شرافت ادبی» موضوع لزوم حفظ حقوق نویسندگان و دفاع همگان از دستاوردهای علمی آنان را به بحث گذاشته است و جوانب مختلف آن را کاویده است. او در مقاله مزبور، نخست از این نکته سخن گفته است که حرفه نویسندگی نیز همچون هر پیشه دیگری مستلزم نوعی جوانمردی یا شرافت است. سپس یادآور شده است که انحراف از اصول شرافت در حرفه نویسندگی زیان‌بارتر از این انحراف در بسیاری از مشاغل دیگر است؛ چون پیامدهای خطاها و تخلفات نویسنده محدود به

معاصران او نیست و ممکن است به همه نسل‌های یک جامعه آسیب رساند:

انحراف از اصول شرافت در همه پیشه‌ها به یک درجه برای جامعه زیان‌بخش نیست. کاسبی که کم می‌فروشد یا سنگ تمام در ترازو نمی‌گذارد، از شرافت پیشه خود منحرف شده است. اما این انحراف تنها به خریداران او زیان می‌رساند. در پیشه نویسندگی وضع چنین نیست، زیرا همه طبقات اجتماع که خواندن و نوشتن می‌دانند و همه نسل‌های یک جامعه، از معاصران و آیندگان، با آثار نویسنده سروکار دارند، انحراف نویسنده از شرافت پیشه خود به همه ایشان ممکن است زیان برساند.^۱

به‌گفته خانلری یکی از لوازم شرافت ادبی، مراعات کردن حقوق سایر نویسندگان است.^۲ انحراف از شرافت ادبی انواعی ناپسند دارد که برخی از آنها «دزدی ادبی» یا «دزدی بی‌ادبانه» نامیده می‌شود مثل اینکه کسی نوشته دیگری را با اندکی تغییر یا بدون تغییر به نام خود منتشر کند.^۳ خانلری به این نکته بسیار مهم نیز تصریح نموده که یکی از علل رواج انتحال یا سرقت ادبی در جامعه «بی‌اعتنائی خود نویسندگان به حفظ حقوق صنفی است».^۴ منظور وی از این سخن، رفتارهای مُسامَحت‌آمیز و آسان‌گیری‌های ناروا و نابجایی است که بسیاری از اهل علم یک جامعه در برخورد با نویسندگان متخلف از خود نشان می‌دهند و اعتنائی به تضییع شدن حقوق سایر محققان واقعی و درستکار در اثر آن مُسامَحات و آسان‌گیری‌ها نمی‌نمایند. استاد خانلری علل و پیامدهای ناگوار این رفتارهای اغماض‌آمیز را نیز به اختصار چنین بازنموده است:

هیچ‌یک از این گونه خطاها، یا انحراف‌ها از شرافت ادبی، از چشم کسانی که نویسندگی پیشه ایشان است پنهان نمی‌ماند. اما غالباً در اظهار آنها مسامحه روا می‌دارند. عذر ایشان گاهی این است که حریف بی‌شرم است و با ما دشمن می‌شود و دشنام می‌دهد. پس بهتر آن است که خود را در معرکه وارد نکنیم. گاهی نیز با همین حریف بی‌شرم آشنائی دارند و می‌اندیشند که چون به آثار خود ایشان تعرضی نکرده است دفاع از شخص سوم را بر عهده ندارند. این طرز فکر همیشه و در همه موارد موجب ترویج فساد است. کسانی که چنین می‌اندیشند غافلند از اینکه نادانسته به رواج نادرستی در پیشه نویسندگی کمک کرده‌اند. دفاع از شرافت ادبی در درجه اول کار خود نویسندگان است. هر نویسنده‌ای که برای کار خود ارزش قائل است باید بداند که دفاع از حقوق همکاران در حکم دفاع از حق شخصی اوست. اگر در یک مورد تعرض متوجه دیگری است بار دیگر ممکن است متوجه خود او

۱. ناتل خانلری، پرویز، هفتاد سخن، ج ۲ (فرهنگ و اجتماع)، انتشارات توس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۱۹۰.

۲. همان، ص ۱۹۲.

۳. همان، ص ۱۹۳.

۴. همان، ص ۱۹۴.

باشد. بنابراین خاموش نشستن در آن مورد، موجب قبول تعرض به شخص خود است ...
اگر خواننده‌ای در می‌یابد که کسی به حق نویسنده‌ای تجاوز کرده است باید این کار را
ناپسند بشمارد و متجاوز یا متعرض را پست و حقیر بداند و او را لایق عنوان «نویسندگی»
تلقی نکند.^۵

بنابر آنچه گذشت، نویسندگان بصیر و خوانندگان دیده‌ور باید نسبت به حفظ دستاوردهای علمی و
حقوق معنوی محققان حساس باشند و چنانچه دریافتند نویسنده‌ای به نحوی از دسترنج و یافته‌های
محققان دیگر بهره می‌گیرد بی‌آنکه با ارجاع صحیح و صریح حق آنان را بجا آورد، با نقد و تذکراهایی
مشفقانه او را به خطای خویش آگاه سازند و وی را از تکرار آن بر حذر دارند. دستاوردها و نتایج
تلاش‌های علمی و تحقیقی پژوهشگران را باید با یادکرد دقیق و صریح از صاحبان آنها محترم شمرد
و گرمی داشت.

۳. اقتراح برای انتقاد

چنانکه مرسوم است، برخی از نویسندگان در پایان مقدمه خویش بر کتابی که قصد انتشار آن را دارند،
از باب تعارف یا اظهار تواضع یا حتی به حقیقت و با جدّیت، از خوانندگان کتاب درخواست می‌کنند
که اگر در حین مطالعه آن با خطاها یا نقائصی مواجه شدند، از نادرستی‌ها و کاستی‌های مشهود در
کتاب چشم‌پوشی نکنند و نویسنده را به جهت وجود آن لغزش‌ها و خطاها ببخشایند. بعضی دیگر
از نویسندگان نیز اظهار می‌دارند که از تذکار و یادکرد اشتباهاتشان از سوی مخاطبان گرمی به‌گرمی
استقبال می‌کنند و چنین تذکراتی را صمیمانه ارج و سپاس می‌نهند. اما نادرند محققانی که تعارفات
معهود و مرسوم را کنار نهاده و به‌جّد در پی اصلاح نگاهشده‌های خویش‌اند و نه تنها انتقاد از آثارشان را
ناگوار نمی‌دانند بلکه به‌راستی خواستار و دوستار آنند. در اینجا نمونه‌ای از یک انتقاد خواهی جدّی
از سوی نویسنده‌ای بصیر اما نه چندان شهیر بازنموده می‌شود که به‌گمان نگارنده این سطور جالب
توجه تواند بود.

آقای رحمت الهی یکی از مترجمان دانشور و نکته‌سنج چند دهه پیش کشور ما بوده است که آثاری
را از داستایوسکی ترجمه و منتشر کرده است. او همچنین، نقدی مفصل بر ترجمه محمدعلی
جمال‌زاده از نمایشنامه ویلهلم تل فردریش شیللر نگاشته است و به طبع رسانده که بسیار خواندنی
و نکته‌آموز است.^۶ وی در پایان تکمله‌ای که همراه نقد مزبور نشر داده است از چند نکته مهم سخن
به میان آورده. از جمله، اشاره کرده است به آسیب‌هایی که تعارفات و رودربایستی‌های متداول میان

۵. همان، صص ۱۹۴ - ۱۹۵.

۶. درباره این نقد نگریید به: هاشمی میناباد، حسن، «نقد رحمت الهی بر ترجمه محمدعلی جمال‌زاده از ویلهلم تل شیللر»، مجله فرهنگیان (در دست انتشار).

اهل علم جامعه به نظام آموزشی و پژوهشی ما وارد نموده و سبب شده است که کار تعلیم و تحقیق در جامعه ما با جدّیت و صحّت بسزا پی گرفته نشود و چندان که باید، موفقیت آمیز نباشد:

نکته قابل ذکر دیگر که بایستی معروض افتد اینست که در کار تعلیم و تفهیم و تحقیق رسم ما غالباً چنین بوده است که به تعارف و تکلف و رفیق بازی پرداخته ایم و باید اقرار کنیم که بدلیل همین ظاهرسازی‌ها آنطور که باید نتوانسته ایم مسائل عمومی و اصولی دنیای علم امروز را بصورت صحیح به آموزندگان و طلاب عرضه بداریم و بدیهی است که اینکار از مکتب عقل و خرد بدور است، تبعیت کردن از عقل و خرد با رعایت حسن خلق و دوست پرستی و باصطلاح رودربایستی و غیره جداست.^۷ وی سپس آشکارا اقتراح می‌نماید که خوانندگان به انتقاد از همین کتاب انتقادی او بپردازند و او را از خطاها و لغزش‌هایش آگاه سازند:

در خاتمه از خوانندگان و استادان گرامی که احتمالاً این وجیزه را مطالعه می‌فرمایند نه تنها استدعای اغماض و گذشت ندارم بلکه استرحاماً مستدعیم که هرگاه بخطا و لغزشی پی بردند با نهایت شدت و دقت بر اشتباهم واقف سازند و وادارم فرمایند که رفع نواقص کنم و در اصلاح خود کوشا باشم و به بیهوده‌گوئی و ژاژخانی نپردازم، باشد که با کمک و معاضدت ایشان در پی مطلوبی مطمئن و بی‌پیرایه و آموزنده برآئیم و عنان قلم را بیهوده رها نکنیم تا باری از دوش ضعیف و فقیر ذهنی ما برداشته شود نه آنکه خدا ناکرده بمجامله و تظاهر برگزار گردد، البته سپاسگزارم که بر نقص خود واقف شوم نه آنکه تقصیرم را ندیده بگیرند و همه در جهل بمانیم.^۸

باری، چنین سخت‌گیری و جدّیتی در کار تحقیق و تألیف، شایسته تحسین و سرمشق قرار گرفتن است. باید نیک به خاطر داشت که هر جا علم و تحقیق رشد کرده است و اعتلایافته حتماً به جهت دقت و جدّیت و اهتمام تمامی بوده که پژوهشگران در کار خویش نموده و از آسانگیری و بی‌مبالاتی در مطالعات و تحقیقات خود اجتناب ورزیده‌اند. اگر دوستان و خواستار ارتقاء سطح علمی و پژوهشی جامعه خویش هستیم، باید انتقادهای دانشوران را گرامی بداریم و مورد توجه کافی قرار دهیم.

۷. الهی، رحمت، اشاره‌ای بر ترجمه اخیر فارسی از نمایشنامه ویلهلم تل، تهران، ۱۳۳۵، ص ۱۷۸.

۸. همان، صص ۱۷۸ - ۱۷۹.